

یادداشت

پاسر یوحنا درن

به خود بیگانگی فرهنگی دچاریم

اسفند پارسال برای تهیه برنامه‌ای با موضوع نوروز با یکی از شبکه‌های تلویزیونی همکاری می‌کردم. قرار بود گروه گزارشگر به مکان‌های پررفت‌وآمد مانند بازار تهران که همه نوع قشری در آن پیدا می‌شود، مراجعه کنند و از مردمی که به‌طور مثال در حال خرید سبزه سفره هفت‌سین هستند، بپرسند: «معنی سبزه چیست؟ چرا سبزه می‌خرید؟»

بنا بود بعد از پخش پاسخ مردم، در برش بعدی برنامه، بنده و سایر صاحب‌نظران به سؤال گزارشگر جوابی کارشناسانه بدهیم. شاید برایتان عجیب باشد اما حدود ۹۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند «نمی‌دانیم» و این نداشتن، مسئولان امر را به کلی از پخش برنامه منصرف کرد.

جالب است بدانید در میان پاسخ‌دهندگان قشرهای تحصیل‌کرده‌ای بودند که از آن‌ها به هیچ روی انتظار شنیدن «نمی‌دانم» نداشتیم.

حمایت از پوشش «نه به سبزه عید» این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که چرا باید دانش ما درباره فرهنگمان آن قدر اندک باشد که با یک شبهه و تلنگر از پیشینه چند هزار ساله‌مان دست بکشیم؟

در ناآگاه ماندن و از خود بیگانگی فرهنگی جامعه، علاوه بر خود افراد، گروه‌های دیگری مانند رسانه‌ها نیز سهیم هستند.

یک کار پژوهشی ساده لازم است تا آشکار شود که چه تعداد از تیتراهای نیم‌صفحه اول روزنامه‌ها، نیز اخبار رادیو و تلویزیون به موضوعات اقتصادی و سیاسی اشاره دارد و چه تعداد به موضوعات فرهنگی.

همین حالا هم پوشش‌های مردمی به راه افتاده‌اند و صاحب‌نظرانی هستند که برای حفظ هویت فرهنگی تلاش می‌کنند، اما فرصتی برای دیده شدن و شنیده شدن حرف‌هایشان ندارند و از وظایف رسانه، دادن فرصت به این قبیل افراد است.

درباره بنیان و راه‌اندازان این قبیل پوشش‌ها نیز می‌توان چند گروه را متصور شد. گروه نخست آن‌هایی هستند که به فرهنگ بومی کشور اعتنایی ندارند.

حرکت گروه دوم، ناشی از ناآگاهی و فقدان معرفت درباره ریشه‌های فرهنگی است که با کار تبیینی می‌توان آن را رفع و رجوع کرد.

گروه سومی هم هستند که به‌صورت عمدی، فرهنگ، زبان و اندیشه کشور را نشانه می‌گیرند و به دنبال جانشین کردن فرهنگ، زبان و اندیشه غیر بومی هستند.

محک زدن دانش و حساسیت‌سنجی عامه مردم درباره ریشه‌های فرهنگی، از دیگر دلایلی است که می‌توان برای راه‌انداختن این پوشش‌ها متصور شد.

در پوشش‌های فعلی نظیر «نه به سبزه عید» سهیم کدام‌یک از گروه‌های یادشده بیشتر است؟

پاسخ به این سؤال ساده نیست و نیاز به واکاوی و پژوهش جدی دارد. متخصصان فناوری اطلاعات با همکاری صاحب‌نظرانی از رشته‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قادر به انجام این قبیل پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هستند.

باید جنسیت، سن، تحصیلات، میزان حمایت‌گروه‌های مرجع و اصل، واقعی بودن یا نبودن صاحبان این صفحات در دنیای مجازی معلوم شود تا بتوان قضای صحیح ارائه کرد.

با وجود نیاز به رصد این موضوعات در فضای مجازی، متأسفانه رشته فناوری اطلاعات و در نگاهی کلی‌تر پژوهش محوری و اعتنا به پژوهش‌های بومی، در کشور ما جایگاه چندانی ندارد.

به‌طورمثال، میزان توجه به یک پایان‌نامه یا کتاب با تعداد منابع انگلیسی استفاده شده در آن متناسب است. نتیجه این بی‌توجهی را نه فقط درباره نوروز و آیین‌های باستانی بلکه درباره زبان فارسی نیز می‌توان دید.

\*دبیرکل بنیاد فردوسی

گزارش



عکس: تریبون است

# سبزه به ناز می‌ماند

روایت شهرآر از کمپین‌هایی که سفره هفت‌سین را هدف قرار داده‌اند

سفيد موری (نخی) را خیس و روی گندم‌ها پهن می‌کرد. چیزهایی هم زیر لب می‌گفت که هیچ‌وقت سردرنیاوردم؛ انگار که سبزه‌انداختن برایش کار مقدسی بود. اصلا یک هفت‌سین بود و یک سبزه که تماشای قدکشیدنش، قندتوی دل اهل خانه می‌کرد. نشستند فامیل دور این سفره، آن‌ها مباحث و لباس و نوبول‌های تانخورده‌ای که از قرآن درمی‌آمد و

کلفت و خدمتکاری را هم قبول نداشت. اصرارش این بود که مثل قدیم‌ترهایی که جوان بود، خودش همه‌جا را آب و جارو کند و هفت‌سین را روی ترمه‌ای پهن می‌کند. در بلبشوی خانه‌تکانی، ناشد بود که خیس کردن دستمال روی طرف گندم از خاطر مادر بزرگ برود. درست را ۱۵ روز مانده به عید، توی بشقاب مسی، یک مشت گندم می‌ریخت. بعد با وسواس یک دستمال

فروزانه شهامت - همه چیزمان شده است بازاری و حاضر و آماده، حتی سبزه نوروز. برای تمام بی‌حوصلگی‌هایمان هم یک بهانه تکراری از جنس «سرم شلوغ» داریم. سر مادر بزرگ هم شلوغ بود؛ آن‌ها با آن خانه دزدندشت که فقط از ایوان تا بوته یاس نزدیک مطبخ، به اندازه یکی دو آپارتمان نقلی امروزی بزرگ بود.

پیروزن با آن تن نحیف و دست‌های لرزانش، کار هیچ فرهنگی.

بی‌بربرگرد و بی‌ذره‌ای تغییر باید با همان سبک اجرا شود، غلط است. نه فقط غلط است، بلکه به دلیل تغییر شرایط زمانه، گاهی اجرای آن‌ها اصلا ممکن نیست. به نظر من تغییر در سنت‌ها وقتی مفید است که در شکل باشد، بدون آنکه هویت و ماهیت آن را دچار آسیب کند؛ یعنی همان رویکرد اصلاحی.

هدر رفتن ۲۰۰ تن غلات و حیوانات جلوگیری می‌شود و جنگلی با چهار میلیون هکتار درخت خواهیم داشت.»

این، محتوای عکس‌نوشته‌ای است که در فضای مجازی، به‌ویژه اینستاگرام دست‌به‌دست می‌شود و از موافقانش لایک دریافت می‌کند. طرفداران این چالش؛ بحران آب را یکی دیگر از دلایل حمایت خود عنوان می‌کنند. مثلاً مدیرعامل انجمن انسان وزمین به خبرگزاری ایسنا گفته است: سبزه عید ایرانیان باعث هدررفت شش میلیارد لیتر آب می‌شود!

نقد به هفت‌سین

حال و هوای نوروز مثل قدیم است؟ این طور به نظر نمی‌رسد. برای چربایش هزارویک دلیل می‌توان ردیف کرد. با این حال هنوز خیلی‌هایمان که از روزمرگی‌ها و ماشینی شدن دلخوریم به سنت‌های قدیم مانند نوروز و هفت‌سینش پناه می‌بریم تا خاطره‌ها و حس‌های خوبمان را تمدید کنیم. تا چندسال پیش که شبکه‌های اجتماعی همدم بیشتر مردم نبودند، انتقادی هم به این سنت‌ها نبود یا شاید بود، اما چون رسانه‌ای نداشت، سروصدايي نمی‌کرد.

باز شدن پای سفره هفت‌سین به بساط نقد نقادها از پوشش «من ماهی قرمز نمی‌خرم» شروع شد. طرفداران این پوشش، دلایل رنگارنگی برای این «نه» گفتن می‌آورند. برخی روی حفظ اصالت ایرانی ماجرا تأکید می‌کنند و معتقدند نشستن ماهی قرمز سر سفره هفت‌سین یک بدعت است، از نوع چینی‌اش.

آموزش ننیده‌ایم

مقدمه صحبت‌های این فعال فرهنگی که تمام می‌شود، سراغ اصل مطلب می‌رود. ابتدا صحبت‌های طرفداران پوشش «من ماهی قرمز نمی‌خرم» را با یک استدلال رد می‌کند: ماهی را می‌توان به‌عنوان نماد حیات، در سفال‌های مند خراسان پیدا کرد، همچنین در تصویر ماهی که روی سفره‌های ایرانی قدیم نقش بسته بود. بنابراین اینکه ماهی را عضو زائد سفره هفت‌سین بدانیم، غلط است. صحبت امروز ما باید در روش‌های نگهداری و کاهش مرگ‌ومیر ماهی متمرکز شود، نه حذف‌آن.

چرا حذف؟

«وقتی می‌شود این سنت را اصلاح کرد، چرا آن را حذف کنیم؟» این سؤال را یک فعال فرهنگی، مطرح می‌کند و ابعاد ماجرا را ریشه‌ای و به زبان ساده شرح می‌دهد.

زیر ذره‌بین بودن هفت‌سین به همین جا ختم نشده است. پوشش دوم که عمری کوتاه‌تر دارد و امسال تصاویر آن با استقبال برخی کاربران فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود؛ انگشت اشاره‌اش را به‌سمت سبزه نشانه رفته است. حامیان پوشش «نه به سبزه عید» دلایل جدی‌تری برای مخالفت با عضو سبزه و خرم سفره هفت‌سین دارند.

نه به سبزه!

«در سفره هفت‌سین به‌جای سبزه از نهال استفاده کنید و در روز سبزه‌بهر، آن را در طبیعت بکارید. اگر ۵ درصد از مردم ایران به‌جای سبزه، نهال بکارند، از

بی‌بربرگرد و بی‌ذره‌ای تغییر باید با همان سبک اجرا شود، غلط است. نه فقط غلط است، بلکه به دلیل تغییر شرایط زمانه، گاهی اجرای آن‌ها اصلا ممکن نیست. به نظر من تغییر در سنت‌ها وقتی مفید است که در شکل باشد، بدون آنکه هویت و ماهیت آن را دچار آسیب کند؛ یعنی همان رویکرد اصلاحی.

رضا سلیمان‌نوری به تغییراتی که رسوم در طول زمان پیدا می‌کنند، اشاره می‌کند و می‌گوید: بعضی از این تغییرات، عاقلانه و براساس اوضاع زمان است و برخی دیگر، مغرضانه و با هدف لوث کردن واقعیت ماجرا. چهارشنبه‌سوری را مثال می‌زنم که در قدیم با آیین‌های گوزه‌شکنی، ملاقه‌زنی و پریدن از زوری آتش همراه بود. امروز دو آیین نخست از بین رفته و آنچه از چهارشنبه‌سوری باقی مانده، صرفاً پرت کردن چند ترفه و آتش‌بازی است. این رفتارها را هر فرد عاقلی مردود می‌داند.

سبزه عید هدر می‌رود.

به تمام آنچه گفته شد، یک دغدغه دیگر را هم اضافه کنید: اینکه سبزه‌هایی که در روز سبزه‌بهر فرودین در طبیعت رها می‌شود، علاوه بر زشت کردن چهره محیط زیست، آلودگی‌های میکروبی به‌همراه دارد.

سبزه‌های اصلی ایرانی می‌دانند.

وی تقدیر چهارشنبه‌سوری، سبزه‌بهر، طولانی بودن تعطیلات نوروز و هفت‌سین را وجوه مختلف یک حرکت می‌داند و ادامه می‌دهد: این در حالی است که آمار هدررفت منابع آب و ضایعات نان در کشور، وحشتناک و غیر قابل مقایسه با هزینه پهن کردن یک سفره هفت‌سین است.

آموزش ننیده‌ایم

مقدمه صحبت‌های این فعال فرهنگی که تمام می‌شود، سراغ اصل مطلب می‌رود. ابتدا صحبت‌های طرفداران پوشش «من ماهی قرمز نمی‌خرم» را با یک استدلال رد می‌کند: ماهی را می‌توان به‌عنوان نماد حیات، در سفال‌های مند خراسان پیدا کرد، همچنین در تصویر ماهی که روی سفره‌های ایرانی قدیم نقش بسته بود. بنابراین اینکه ماهی را عضو زائد سفره هفت‌سین بدانیم، غلط است. صحبت امروز ما باید در روش‌های نگهداری و کاهش مرگ‌ومیر ماهی متمرکز شود، نه حذف‌آن.

زیر ذره‌بین بودن هفت‌سین به همین جا ختم نشده است. پوشش دوم که عمری کوتاه‌تر دارد و امسال تصاویر آن با استقبال برخی کاربران فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود؛ انگشت اشاره‌اش را به‌سمت سبزه نشانه رفته است. حامیان پوشش «نه به سبزه عید» دلایل جدی‌تری برای مخالفت با عضو سبزه و خرم سفره هفت‌سین دارند.

نه به سبزه!

«در سفره هفت‌سین به‌جای سبزه از نهال استفاده کنید و در روز سبزه‌بهر، آن را در طبیعت بکارید. اگر ۵ درصد از مردم ایران به‌جای سبزه، نهال بکارند، از

بی‌بربرگرد و بی‌ذره‌ای تغییر باید با همان سبک اجرا شود، غلط است. نه فقط غلط است، بلکه به دلیل تغییر شرایط زمانه، گاهی اجرای آن‌ها اصلا ممکن نیست. به نظر من تغییر در سنت‌ها وقتی مفید است که در شکل باشد، بدون آنکه هویت و ماهیت آن را دچار آسیب کند؛ یعنی همان رویکرد اصلاحی.

رضا سلیمان‌نوری به تغییراتی که رسوم در طول زمان پیدا می‌کنند، اشاره می‌کند و می‌گوید: بعضی از این تغییرات، عاقلانه و براساس اوضاع زمان است و برخی دیگر، مغرضانه و با هدف لوث کردن واقعیت ماجرا. چهارشنبه‌سوری را مثال می‌زنم که در قدیم با آیین‌های گوزه‌شکنی، ملاقه‌زنی و پریدن از زوری آتش همراه بود. امروز دو آیین نخست از بین رفته و آنچه از چهارشنبه‌سوری باقی مانده، صرفاً پرت کردن چند ترفه و آتش‌بازی است. این رفتارها را هر فرد عاقلی مردود می‌داند.

سبزه‌های اصلی ایرانی می‌دانند.

وی تقدیر چهارشنبه‌سوری، سبزه‌بهر، طولانی بودن تعطیلات نوروز و هفت‌سین را وجوه مختلف یک حرکت می‌داند و ادامه می‌دهد: این در حالی است که آمار هدررفت منابع آب و ضایعات نان در کشور، وحشتناک و غیر قابل مقایسه با هزینه پهن کردن یک سفره هفت‌سین است.

آموزش ننیده‌ایم

مقدمه صحبت‌های این فعال فرهنگی که تمام می‌شود، سراغ اصل مطلب می‌رود. ابتدا صحبت‌های طرفداران پوشش «من ماهی قرمز نمی‌خرم» را با یک استدلال رد می‌کند: ماهی را می‌توان به‌عنوان نماد حیات، در سفال‌های مند خراسان پیدا کرد، همچنین در تصویر ماهی که روی سفره‌های ایرانی قدیم نقش بسته بود. بنابراین اینکه ماهی را عضو زائد سفره هفت‌سین بدانیم، غلط است. صحبت امروز ما باید در روش‌های نگهداری و کاهش مرگ‌ومیر ماهی متمرکز شود، نه حذف‌آن.

زیر ذره‌بین بودن هفت‌سین به همین جا ختم نشده است. پوشش دوم که عمری کوتاه‌تر دارد و امسال تصاویر آن با استقبال برخی کاربران فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود؛ انگشت اشاره‌اش را به‌سمت سبزه نشانه رفته است. حامیان پوشش «نه به سبزه عید» دلایل جدی‌تری برای مخالفت با عضو سبزه و خرم سفره هفت‌سین دارند.

نه به سبزه!

«در سفره هفت‌سین به‌جای سبزه از نهال استفاده کنید و در روز سبزه‌بهر، آن را در طبیعت بکارید. اگر ۵ درصد از مردم ایران به‌جای سبزه، نهال بکارند، از

بی‌بربرگرد و بی‌ذره‌ای تغییر باید با همان سبک اجرا شود، غلط است. نه فقط غلط است، بلکه به دلیل تغییر شرایط زمانه، گاهی اجرای آن‌ها اصلا ممکن نیست. به نظر من تغییر در سنت‌ها وقتی مفید است که در شکل باشد، بدون آنکه هویت و ماهیت آن را دچار آسیب کند؛ یعنی همان رویکرد اصلاحی.

رضا سلیمان‌نوری به تغییراتی که رسوم در طول زمان پیدا می‌کنند، اشاره می‌کند و می‌گوید: بعضی از این تغییرات، عاقلانه و براساس اوضاع زمان است و برخی دیگر، مغرضانه و با هدف لوث کردن واقعیت ماجرا. چهارشنبه‌سوری را مثال می‌زنم که در قدیم با آیین‌های گوزه‌شکنی، ملاقه‌زنی و پریدن از زوری آتش همراه بود. امروز دو آیین نخست از بین رفته و آنچه از چهارشنبه‌سوری باقی مانده، صرفاً پرت کردن چند ترفه و آتش‌بازی است. این رفتارها را هر فرد عاقلی مردود می‌داند.

سبزه‌های اصلی ایرانی می‌دانند.

وی تقدیر چهارشنبه‌سوری، سبزه‌بهر، طولانی بودن تعطیلات نوروز و هفت‌سین را وجوه مختلف یک حرکت می‌داند و ادامه می‌دهد: این در حالی است که آمار هدررفت منابع آب و ضایعات نان در کشور، وحشتناک و غیر قابل مقایسه با هزینه پهن کردن یک سفره هفت‌سین است.



یادداشت

نسرین شعبان‌زاده\*

اگر سنت‌ها نباشند چه می‌شود؟

بباید ابتدا از سنت، یک تعریف ساده و قابل فهم ارائه بدهیم. سنت، آیین یا آداب و رسوم شامل مجموعه رفتارها و شیوه‌های زندگی یک ملت یا جماعت است.

آن‌ها میراثی از گذشته‌های دور و برشی از حافظه تاریخی یک ملت هستند که در طول خط زمانی همراه نسل‌های یک ملت پیش آمده‌اند و امروز به دست ما رسیده‌اند.

باید پذیرفت که این حرکت تاریخی و عبور از قرن‌ها موجب مخلوط شدن سنت‌ها با ناخالصی‌هایی شده است که ما نام آن را «ادا» می‌گذاریم.

منظورم از ادا، دروغ‌های واقعیت‌ناماست. دروغ‌هایی که اگر حذف شوند، به اصل سنت آسیب نمی‌زند که هیچ، بلکه آن را عمیق‌تر، غنی‌تر و شفاف‌تر نیز می‌کنند. ممکن است این سؤال پیش بیاید که چطور اداها را از واقعیت‌ها تمیز دهیم؟

پاسخ من در یک کلمه خلاصه می‌شود: زمان. گذشت زمان نه فقط درباره سنت، بلکه در دیگر عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی نیز ناخالصی‌ها را عیان می‌کند. نکته مهم، داشتن جسارت در حذف این اختلالات و ناخالصی‌ها و خالص کردن سنت‌هاست. مثلاً درباره سبزه عید، وجود این عنصر در سفره هفت‌سین، نمادی از رویش و مواجهه انسان با طبیعت است. احترام به طبیعت در فرهنگ اسلامی و ایرانی‌ما، بر کسی پوشیده نیست. بیان این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که سبزه‌های سفره هفت‌سین بیشتر از گندم تهیه می‌شود.

گندم، خود در فرهنگ ایرانی، نمادی از موهبت هستی است که برای رویش آن، از عناصر چهارگانه طبیعت بهره گرفته شده است.

رفتار ما با سبزه به‌عنوان یک نماد فرهنگی به‌ویژه هنگامی که از گندم رسته باشد، قابل تأمل و نقد است.

ما نمی‌گذاریم جوانه‌های سبز به نهایت رشد برسند، سپس با اتمام تعطیلات، آن‌ها را به‌صورتی نازل به طبیعت برمی‌گردانیم. آیا به ادامه این رفتار ناگزیریم؟

آیا نمی‌توان شکل رفتاری کامل‌تر و نحوه مواجهه متعالی‌تری با این نماد را انتخاب کرد؟ خلاصه صحبت‌هایم در این بخش، این است که باید در مواجهه با سنت‌هایمان، روح آن را دریابیم و بدون آنکه به حافظه سنت آسیب برسد، سره را از ناسره جدا کنیم. به عبارات دیگر، سنت‌ها مطلق نیستند و می‌توان درباره آن گفت‌وگو کرد و پیشنهادهای اصلاحی داد.

ادامه صحبت‌م، خطاب به کسانی است که اصولاً اعتقادی به وجود سنت‌ها ندارند، همچنین کسانی که به‌روشنی نمی‌دانند حفظ سنت‌هایی مانند نوروز در عصر جدید، چه فایده‌ای دارد.

تفاوت انسان‌ها در عصرهای مختلف، ناشی از تفاوت آن‌ها در باورها و سپس در سنت‌هایشان است. جغرافیای زندگی، زبان، دین و مواردی از این دست، پایه‌های تشکیل‌دهنده سنت‌ها هستند.

نمی‌توان سنت‌ها را از آدم‌ها گرفت؛ زیرا این کار به‌مثابه تخریب پایه‌های وجودی و هویتی افراد است. در دنیای امروز و با غلبه فضای مجازی، شاهد پدیده‌ای هستیم که من نام آن را «مافیای رسانه» می‌گذارم.

این مافیای به‌دنبال آن است که در گام نخست، خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های ملل را در سراسر جهان حذف کند و در گام بعد، به مخاطب تهنی شده از سنت، چیزی را بخوراند که به نفع صاحبان این مافیاست.

در این راه از جذابیت‌های فریبنده برای نیل به هدف خود استفاده می‌کند؛ طوری که مخاطب گمان می‌کند به‌طور مثال آداب و ذائقه غذاخوردن را خودش انتخاب کرده است، درحالی‌که این طور نیست.

حتماً ضرب‌المثل «ترک عادت موجب مرض است» را شنیده‌اید. مفهوم عادت، فراتر از آن چیزی است که در آذهان عمومی گمان می‌رود. با اطمینان می‌گویم که حذف سنت‌ها، مرض‌های فرهنگی و اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت که بروز نشانه‌های آن مستلزم یک چیز است: بازهم زمان.

\*پژوهشگر مردم‌شناسی